

میدون و سوفیا

چطوروی صدای نوجوان را درآوریم؟



✎ **پوریا عالمی**

● وزیر آموزش‌وپرورش با بیان اینکه از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده گفت‌وگوی بین‌نسلی، گسترش بی‌حدوحصر فضای مجازی است، گفت: مهم‌ترین عامل گفت‌وگوی بین‌نسلی این است که صدای نوجوانان باید شنیده شود. در همین زمینه ما می‌گوییم چطوروی صدای نسل نوجوان شنیده خواهد شد:

- از ابتدا می‌زیم تو سر نوجوانان تا صداش درآید.
- نوجوان را وادار می‌کنیم ۱۲ سال کتاب‌های مشعشع آموزش‌وپرورش را در مدرسه بجود و قورت بدهد تا صداش درآید.
- نوجوان را تحقیر می‌کنیم تا صداش درآید.
- نوجوان را می‌نشانییم جلوی برنامه‌های صداوسیما تا گریه‌اش بگیرد و اشکش درآید.
- هرگونه تفریح و سرگرمی و پارک و شهربازی را جمع می‌کنیم تا نوجوان صداش درآید.
- نوجوان را مجبور می‌کنیم حرف‌های ما را هر روز ۴۰ بار تکرار کند تا صداش درآید.
- از نوجوان می‌خواهیم احساساتش را سرکوب کند تا صداش درآید.
- به نوجوان می‌گوییم حق نداری عاشق شوی، اما باید زود ازدواج کنی تا صداش درآید و خلاص.

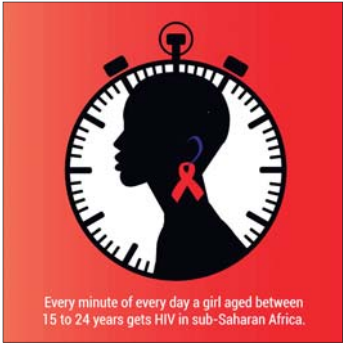
جمع‌بندی:..سوفیا.. عشقم... من از نوجوانی هروقت صدام درآمده، زدند توی سرم، الان عادت دارم بی صدا داد بزنم. عاشق بی‌صدای تو، میدون دوم

پرنده آبی

روز جهانی ایدز

● شبکه‌های اجتماعی مطالب متعددی درباره روز جهانی ایدز؛ اول دسامبر، منتشر کردند و #WorldAidsDay جزء ترندهای برتر جهان شده بود. هرچند درگذشت جورج بوش پدر در ۹۴ سالگی نیز با واکنش فراوانی روبه‌رو شده بود. برخی فعالان در زمینه بهبود وضعیت بیماران ایدز به یاد آورده بودند که راهبیمایی‌هایی در مخالفت با سیاست‌های جورج بوش پدر انجام داده بودند و به او یادآوری کرده بودند ۱۵۰ هزار نفر به‌خطر ایدز کشته شده‌اند. برخی هم عکسی از مکان و هری منتشر کردند که سال‌ گذشته در چنین روزی برای اولین‌بار در برنامه رسمی روز جهانی ایدز حضور پیدا کردند و مدتی بعد نازمدی‌شان را اعلام کردند. همچنین امسال سی‌سی‌امین سالگرد روز جهانی ایدز بود که برنامه‌های متعددی به‌خاطر افزایش آگاهی‌بخشی در گوشه‌وکنار جهان برگزار می‌شد و یادآوری شد که ۳۰ سال پیش این آرزو وجود داشت که ریشه این بیماری خشک شود. تزا می نیز در پیامی توییتری به بیان فعالیت‌های انجام‌شده توسط دولت انگلیس پرداخت و آرزو کرد که بتوان بیماری ایدز را از بین برد و دیگر این بیماری را یک ننگ ندانست؛ نکته‌ای که بسیاری درباره ننگ‌دانستن این بیماری در توییت‌ها و اظهارنظرهای خود به آن اشاره کرده و امیدوار بودند که ننگ‌دانستن ایدز پایان یابد.

سازمان‌های فعال در زمینه حقوق زنان، سازمان‌های فعال مهاجران و... نیز برخی اطلاعات را یادآوری کردند. روز جهانی ایدز از نظر بکری از سازمان‌های فعال روزی است برای بیان حقایق، نه ترس‌ها، یک نفر نوشته بود زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله که اطلاعات اندکی درباره ایدز دارند حدود ۵۹ درصد را تشکیل می‌دهند و عجیب‌تر اینکه از هر چهار نفر مبتلا به ایدز یک نفر آنها اطلاعی از بیماری خود ندارد. درناگ‌تر اینکه در هر دقیقه در صحرای بزرگ آفریقا یک دختر بین ۱۶ تا ۲۴ سال به ایدز مبتلا می‌شود. سازمان جهانی مهاجران یادآوری کرد که تمام افراد در حال حرکت، مهاجرت و تحت فشار باید حق دسترسی و امکان انجام تست را دارا باشند. در نهایت به نظر می‌رسد بسیاری از ما هنوز اطلاعات دقیقی درباره نحوه اطلاع از ابتلا به ایدز نداریم. پوسترهایی از زبان کودکان مبتلا به ایدز منتشر شد که یادآوری می‌کردند با بغل‌کردن ایدز منتقل نمی‌شود. در نهایت باید بدانیم ایدز از طریق دست‌دادن، بغل‌کردن، روبوسی، عطسه‌کردن، لمس پوست بدون جراحت، استفاده از توالت مشترک، استفاده از حوله مشترک، استفاده از قاشق و چنگال و ظروف غذاخوری مشترک منتقل نمی‌شود. متأسفانه موج چهارم انتقال ایدز در راه است؛ تلفیقی از تزریق مشترک و روابط جنسی محافظت‌نشده.



شترخوارروزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۷ • ۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ • ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۰۵ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۷

روزنارخرا

کارتون خواب

✎ **بیوری کوزوبوکیون**



یادبود

عاشق‌ترین عاشقان اصفهان به یاد دکتر لطف‌الله هنرفر

شلیا فلاح‌پور

۱۲ سال پیش؛ یعنی پنجشنبه، نهم آذر ۱۳۵۸، گنجینه‌گویای تاریخ اصفهان رخ در نقاب خاک کشید. یادگار ایشان حجتی از کتاب‌های نفیس گنجینه آثار تاریخی اصفهان است. استاد لطف‌الله هنرفر سال‌ها با تدریس در دبیرستان‌ها و دانش‌سراهای اصفهان مصدر خدمات ارزنده فرهنگی بودند. در خلال این روز‌ها توفیق اخذ فوق‌لیسانس تاریخ از دانشگاه تهران را نیز یافته و در تیرماه ۱۳۴۱ به اخذ دکترای دوره اول تاریخ دانشگاه تهران با درجه «بسیار خوب» نائل آمدند. ایشان به اتفاق دکتر باستانی‌پاریزی از اولین کسانی بودند که مدرک دکترای تاریخ دانشگاه تهران را دریافت کردند. از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ ضمن ادامه تدریس مامور خدمت در اداره باستان‌شناسی اصفهان شده و افتخار انجام خدمات اداری و علمی ارزنده‌ای را در این مؤسسه برعهده داشته‌اند. تلاش در جهت حفظ و مرمت آثار تاریخی اصفهان و ثبت و ضبط کتیبه‌های تاریخی و تکمیل آن در ابنیه و آثار تاریخی اصفهان از جمله خدمات ایشان است. عضویت در «انجمن آثار ملی و شورای حفاظت آثار تاریخی اصفهان» و «کنگره جهانی ایران‌شناسان» و نیز مدیریت اداره باستان‌شناسی اصفهان این فرصت را فراهم آورد تا کتاب ارزشمند «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» را منتشر کنند که در سال ۱۳۴۴ برنده جایزه درجه اول دولتی، بهترین کتاب سال شد. استاد هنرفر، پس از ۲۶ سال خدمت مداوم در فرهنگ

اصفهان، در سال ۱۳۴۶ به دانشگاه اصفهان دعوت شدند و گروه آموزش تاریخ را در دانشکده ادبیات و

علوم انسانی پایه‌گذاری کرده و درعین‌حال نخستین درجه استادی تاریخ را در دانشگاه اصفهان کسب کردند. سرانجام بنا بر تقاضای شخصی خود، از اول خردادماه سال ۱۳۵۸ با ۴۱ سال‌وهشت‌ماه خدمت رسمی به افتخار بازنشستگی نائل آمده و به ادامه مطالعات و تحقیقات خود پرداختند. تالیفات و تحقیقات ایشان به شرح زیر است:

۱- از اصفهان دیدن کنیم (راهنمای شهر اصفهان). این اثر چندین‌بار از سال ۱۳۴۰ به‌بعد با عناوین مختلف به چاپ رسیده است.

۲- Historical Monuments of Isfahan (راهنمای آثار تاریخی اصفهان). چاپ اول فوریه

نه! هیچ مصاحبه‌کننده‌ای بازجو نیست، اما می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های آموزشی این رشته، داشتن خلاقیت و البته تجربه‌اندوزی بسیار و رسیدن به مهارت‌های لازم، قوی‌تر از یک بازجوی مجرب به رازگشایی از موضوع یک مصاحبه برسد. یادمان باشد مصاحبه‌ها خبری یا غیرخبری هستند. مصاحبه غیرخبری با آقای فراس‌تی، برای شناخت شخصیت و رمزگشایی از شخصیت ویژه او بود. درون‌کاوی این شخصیت یا مصاحبه‌شوندگان شبیه او، در هر گروه شغلی یا حرفه‌ای به‌منظور تحلیل و نقد او نیازمند دو ویژگی است؛ یکی شناخت شخصیت حقیقی و نیز حقوقی مصاحبه‌شونده و دیگری شناخت و تسلط بر موضوع مصاحبه برای آنکه مصاحبه‌کننده بتواند کنترل و هدایت مصاحبه را به‌دست گیرد تا مصاحبه به هدف یا پیام مدنظر برسد؛ مثلاً چرا آقای فراس‌تی با همه فیلم‌ها مخالف است. اگر مصاحبه‌کننده فاقد دانش، تجربه، خلاقیت، مهارت و شناخت چندنسویه از آقای فراس‌تی باشد، مصاحبه به شکست می‌انجامد؛ حتی اگر مصاحبه‌شونده صحنه را ترک نکند، مثل ده‌ها و صدها مصاحبه‌ای که در روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون انجام می‌شود که با شکست مطلق همراه است. چرا؟ چون نه خواننده می‌شود و نه دیده و شنیده می‌شود. دلایل می‌تواند جذابیت‌نداشتن موضوع یا مصاحبه‌شونده با زاویه دید نسبت به موضوع مصاحبه باشد. مثل بیشتر مصاحبه‌های جاندارانه رادیو و تلویزیون یا آدم‌های خاص که نه کشش موضوعی، نه محتوایی و نه ساختاری دارند.



✎ **فریدون صدیقی**

حتی اگر روبه‌روی فراس‌تی بنشیند

مصاحبه‌کننده بازجو نیست

ماهانم فیلم، به اعتبار تجربه، دانش و شخصیت او می‌تواند با آقای فراس‌تی تبدیل به یک مباحثه عمقی و چالشی برای رازگشایی از شخصیت هزارتوی آقای فراس‌تی شود.

نکته پایانی؛ مصاحبه یا انجام مصاحبه به‌مثابه اجرای یک نمایش است؛ یعنی مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده موضوع یا موضوعاتی را در زمان، مدت و مکان و شرایط مشخصی اجرا می‌کنند تا موضوع مانند یک متن نمایشی اجرا شود؛ اجرائی که با اقبال تماشاگران روبه‌رو شود، اما و قطعا و حتماً اگر قرار است مصاحبه به نتیجه برسد؛ یعنی به هدف برسد؛ یعنی به نفع مصاحبه‌کننده تمام شود. مصاحبه‌کننده در واقع تنها بازیگر اجرای موضوع مصاحبه نیست. او بازیگر-کارگردان است؛ یعنی مصاحبه‌شونده را باید کارگردانی کند (درباره مصاحبه به‌مثابه نمایش، مقاله مفصلی را پیش‌ترها منتشر کرده‌ام). در مصاحبه با آقای فراس‌تی این آقای فراس‌تی بود که با هوشمندی و تجربه بسیار منحنی رفتاری، پاسخ به سؤال‌ها را طوری پیش برد که مصاحبه‌کننده عصبی و پرخاشجو شود و با ادبیات غیرمحترمانه ناچار تن به شکست در مصاحبه دهد. در واقع وقتی آقای فراس‌تی با آرامش و طمأنینه صحنه را ترک کرد، در واقع مصاحبه‌های بعدی این مصاحبه‌کننده را آسیب‌پذیر کرد؛ چون اعتمادبه‌نفس او را زیر سؤال برد.

نکته افزوده؛ اینجا و آنجا خواندم که برخی گفته بودند آقای ظلی‌پور، مجری است نه کارشناس؛ این گفته بی‌معناست. او مجری انجام یک مصاحبه است؛ یعنی مصاحبه‌کننده است، اما و البته او مجری ناتوانی برای انجام یک مصاحبه عمقی و چالشی با افرادی با ظرفیت‌های آقای فراس‌تی و نظایر ایشان است.

مغز اجتماعی-۴۵

نوستالژی

گذشته به عنوان یک واقعیت و بازگشت به دوران طلایی است. آمریکای کبیری که ترامپ از بازگشت به آن می‌گوید، بیشتر به نظر می‌رسد آمریکای سفیدپوستان مسیحی با باورهای عقب‌مانده و برای برپاکردن تولیدات با استفاده از سوخت فسیلی و نوعی احیای گذشته‌ای واپس‌گرایانه بیش نباشد. روایت‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی غرب تا قرن گذشته در انگلیس، فرانسه و آلمان و همچنین در جنگ داخلی آمریکا، حاکی از غلبه بیمارگونه نوستالژی احیا به اشکال مختلف بوده است. به همین علت بوده که همیشه نوستالژی از قرن هفدهم به بعد نوعی بیماری به حساب می‌آمد. نوستالژی که واژه ترکیبی یونانی از دو واژه «نوستوس: بازگشت» و «آلگوس: درده است، به عنوان بیماری برای اولین‌بار در قرن هفدهم توسط پزشکی سوئوسی به نام یوهانس هوفر مطرح شد. این بیماری که با علائم اضطراب، بی‌اشتهایی، افسردگی، گاه خودکشی و مرگ همراه بود، برای اولین‌بار در مستشاران نظامی سوئوسی که از بلندی‌های دامنه آلپ به دشت‌های کام‌ارتفاع ابراز جنگیدن می‌رفتند و از خانه و کاشانه و وطن دور می‌افتادند، شرح داده شد. این بیماری بیشتر در ارتش و میان سربازانی رواج داشت که در کشاکش جنگ و خون‌ریزی و خشونت، برای آنها حال و آینده‌چنان غیرقابل تحمل، نامطمئن و ناامیدکننده بود که مغزشان در طلب و تمناي گذشته غیرقابل بازگشت در پناه گرم خانه، کاشانه و وطن یا ملت، بیمار می‌شد. همچنان نیز همین حالت بیمارگونه نوستالژیک در شرایط دشوار امروز در مهاجرت و تبعید و جنگ، فراوان دیده می‌شود. با همه این احوال امروزه با پیشرفت‌های بیشتر در مغزپژوهی، از نوستالژی بازتابی به عنوان هیجانی مثبت و استراتژی مفید و سالم یاد می‌شود، زیرا می‌توان از آن به‌طور آگاهانه به عنوان یکی از توانایی‌ها در انعطاف‌پذیری مغز در پیوند گذشته و حال و حفظ تمامیت خویشتن و هویت شخصی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی استفاده کرد و با کمک آن در مقابله عوامل ازهم‌پاشنده هویت خویشتن گذشته براساس عینیت و حقایقت خاطره‌های نوستالژیک دارد، نوعی وابستگی اعتیادآور به گذشته ساختگی ایجاد می‌کند. هم‌اکنون در صحنه سیاست دنیا، آنچه در برگزیت انگلیس و جنبش به رهبری ترامپ در آمریکا می‌بینیم، نوعی نوستالژی احیای

آوردند. مغزپژوهی جدید به ما می‌گوید کول واقعیت‌نمایی و شفافیت عریان تندرهای هیجانی نوستالژیک در اندام‌واره خاطره خود را نخوریم. دانش جدید به ما هشدار می‌دهد که خاطرات نوستالژیک فقط آفریده‌های مغز ما هستند، حتی بازآفرینی واقعیت‌های گذشته هم نیستند. در واقع جرقه‌های نوستالژیک، هنرنمایی زیباشناختی مغز هیجانی خاطره‌ساز ما هستند. برای استفاده مفید از آنها باید از آنها فاصله بگیریم و به آنها به صورت ابرژه‌های زاده‌شده از ذهن خود بنگریم، همان‌طور که یک هنرمند به اثر هنری خود نگاه می‌کند. ما چنان باید منتظر خلق نوستالژی‌های خود از درون خاطرات گذشته باشیم که لی‌لی برسکو، در کتاب داستان «به سوی فانوس دریایی» ویرجینیا وولف در کنار ساحل در روبه‌روی بوم نقاشی خود نشسته بود و منتظر خلق ابرژه‌ای روی بوم بود. بنابراین با نوستالژی می‌توان به نوعی خلق روایت سیال آگاهانه زیبایی‌شناختی رسید و آن را به‌مثابه نوعی هنردرمانی در نظر گرفت. جرقه نوستالژیک را با طعم کلوچه دمالین در جای زیزفون بود که مارسل پروست در رنج بیماری آسم لاعلاج را آن‌قدر در بستر اتاق محقرش در پاریس نگه داشت تا او بتواند بر ترس میرندگی خود فائق آید و شاه‌کارش «در جست‌وجوی زمان ازدست‌رفته» را خلق کند و رشته‌های ازهم‌گیخته وجود خود را به هم پیوند بزند. شواهد فراوان است که شعر و موسیقی در سرزمین ما نیز هیچ‌وقت بی‌بهره از تندر خاطره و خیال نوستالژیک نبوده است. اگر چنین آگاهانه به وجود جوهر آفرینش در نوستالژی تولیدشده در مغز خود توجه کنیم، می‌توانیم از شرنگ تلخ‌کامانه لبریز از مضاری که قدرت و سیاست به جان نوستالژی می‌ریزد، مصون باشیم.

باید بدانیم که این‌عدم آگاهی از نحوه ساخته‌شدن نوستالژی با استفاده از تجربیات گذشته در مغز ما و باور غلط به عینی و واقعی بودن احساس نوستالژیک شخصی، اجتماعی و فرهنگی، منجر به اصرار در احیا و بازآوری آن در عالم واقع می‌شود. نوستالژی مضر و ناسالم که ادعای احیای گذشته براساس عینیت و حقایقت خاطره‌های نوستالژیک دارد، نوعی وابستگی اعتیادآور به گذشته ساختگی ایجاد می‌کند. هم‌اکنون در صحنه سیاست دنیا، آنچه در برگزیت انگلیس و جنبش به رهبری ترامپ در آمریکا می‌بینیم، نوعی نوستالژی احیای

پیشخوان



بررسی کرده است. فرید رجایی درباره انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا

نوشته است و احمد میدری نیز درباره مسئله خوزستان سخن گفته است.

لطف‌الله میثمی، مدیرمسئول این دوماهنامه، درباره ایران بدون حذف مقاله‌ای نوشته است و حبیب‌الله پیمان درباره چالش‌های هویتی در ایران معاصر نظراتش را در مقاله‌ای تدوین کرده است.

شماره ۱۱۲ این نشریه با قیمت ۱۵ هزار تومان در ۱۲۸ صفحه منتشر شده است.

دوماهنامه سیاسی و راهبردی چشم‌انداز ایران در آخرین شماره خود پرورنده‌ای درباره مهاجرت را با عنوان «عبور از مرز» منتشر کرده است. میرطاهر موسوی، حسن مکارمی، سعید مدنی و کمال اطهری درباره این موضوع و اتفاقاتی که پس از خروج آمریکا از برجام رخ داد، نظرات‌شان را بیان کرده‌اند.

مینو مرتاضی مطلبی را به یاد پروین بختیارنژاد در این شماره نوشته و سیدحسن امین در مقاله‌ای از خاطرات تار‌شاه‌ها را

چشم‌انداز ایران

دوماهنامه سیاسی و راهبردی چشم‌انداز ایران در آخرین شماره خود پرورنده‌ای درباره مهاجرت را با عنوان «عبور از مرز» منتشر کرده است. میرطاهر موسوی، حسن مکارمی، سعید مدنی و کمال اطهری درباره این موضوع و اتفاقاتی که پس از خروج آمریکا از برجام رخ داد، نظرات‌شان را بیان کرده‌اند.

مینو مرتاضی مطلبی را به یاد پروین بختیارنژاد در این شماره نوشته و سیدحسن امین در مقاله‌ای از خاطرات تار‌شاه‌ها را